

کتاب شب امتحان فارسی (۱) دهم از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

(الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، می‌توانید تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

(ب) آزمون طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمون‌هایی که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

(الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

(ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

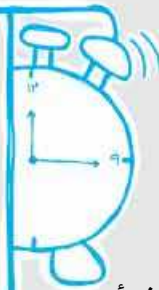
(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند. در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فارسی (۱) نیاز دارید، تنها در ۹ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

بازم‌بندی درس فارسی (۱)

نوبت اول	نوبت دوم	قلمروها
نمره ۷	نمره ۷	زبانی
نمره ۵	نمره ۵	ادبی
نمره ۸	نمره ۸	فکری

بازم‌آزمون نوبت دوم به نسبت ۶ نمره (نوبت اول) / ۱۴ نمره (نوبت دوم) از کل کتاب خواهد بود.



فهرست

صفحه نوبت آزمون	صفحه پاسخ‌نامه	نوبت آزمون	آزمون شماره	طبقه‌بندی شده
۳	۳۱	اول	۱	(طبقه‌بندی شده)
۵	۳۱	اول	۲	(طبقه‌بندی شده)
۷	۳۱	اول	۳	(طبقه‌بندی نشده)
۹	۳۲	اول	۴	(طبقه‌بندی نشده)
۱۱	۳۲	دوم	۵	(طبقه‌بندی شده)
۱۴	۳۳	دوم	۶	(طبقه‌بندی شده)
۱۷	۳۳	دوم	۷	(طبقه‌بندی شده)
۲۰	۳۴	دوم	۸	(طبقه‌بندی شده)
۲۳	۳۴	دوم	۹	(طبقه‌بندی نشده)
۲۵	۳۴	دوم	۱۰	(طبقه‌بندی نشده)
۲۷	۳۵	دوم	۱۱	(طبقه‌بندی نشده)
۲۹	۳۵	دوم	۱۲	(طبقه‌بندی نشده)

شماره	فارسی (۱)	رشته: کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com
ردیف	آزمون شماره ۱			نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم
ستایش و درس اول				
۱	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. تویی رزاق هر پیدا و پنهان			۰/۲۵
۲	عبارت‌های زیر را معنی کنید. الف) هر آن وصفی که گویم بیش از آنی ب) نعره برآورده فلک کرده کر پ) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا	غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا		۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۷۵
۳	«الهی‌نامه» اثر کیست؟			۰/۲۵
درس دوم				
۴	عبارت‌های زیر را معنی کنید. الف) همه کس را به سزا حق شناس باش، خاصه قرابت خویش را. ب) این قدر از من حرف نگیر.		در معنی کردن عبارت‌ها و شعرها سعی کنید هیچ کلمه‌ای رو پا نندازید.	۰/۵ ۰/۵
۵	معنی واژگان مشخص شده را بنویسید. الف) هر که داد از خوبستن بدهد، از داور مستغنی باشد. ب) رنج هیچ کس ضایع مکن.			۰/۲۵ ۰/۲۵
۶	در میان واژگان زیر نادرستی‌های املایی را بیابید و اصلاح کنید. فروغ - تیمارداشتن - غرابت و خویشان - حیات خانه - طاقت و توان - سراسا بنا - آرام و با احتیاط - سراسیمه			۰/۵
۷	در کدام گزینه نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. ۱) نگاهش آرام و حرکاتش و زندگی‌اش بی تلاطم بود و خیالش تخت. ۲) از دیوار و بتا و امله‌ها نفرتش می گرفت.		در سوالات املا معمولاً از شما فواصت می‌شکله شکل صحیح رو هم بنویسید.	۰/۵
۸	با توجه به قسمت‌های مشخص شده آرایه ادبی هر یک را بنویسید. الف) چشم‌های خواب‌آلود و حیرت‌زده خود را باز کرد و محو تماشا شده بود. ب) اما بهمن به کار خود سرگرم بود.			۰/۵
درس سوم				
۹	معنی عبارت‌های زیر را بنویسید. الف) هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حضيض هم می توان عزیز بود. ب) شفق آینه‌دار نجابت / و فلق، محرابی که تو در آن / نماز صبح شهادت گزارده‌ای.			۰/۵ ۰/۷۵
۱۰	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت.			۰/۲۵
۱۱	در سروده زیر دو ترکیب با ساختار «هسته + وابسته + وابسته» مشخص کنید. «آه ای مرگ تو معیار! / مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / و آن را بی قدر کرد / که مردنی چنان / غبطه بزرگ زندگانی شد / ... / تو تنها تر از شجاعت / در گوشه روشن وجدان تاریخ ایستاده‌ای / به پاسداری از حقیقت»			۱
۱۲	در شعر زیر یک «مجاز» و یک «تشخیص» نشان دهید. خونت / با خون بهایت، حقیقت / در یک تراز ایستاد / و عزمت، ضامن دوام جهان شد.		«تشخیص» همون وان بپشی به اشیاست.	۰/۵
درس پنجم				
۱۳	در بیت «زین کاروان سرای بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد» معنای استعاری کلمات مشخص شده را بنویسید.			۰/۵
۱۴	در ابیات زیر تشبیه و تضاد را نشان دهید. الف) بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم ب) چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد	تا سختی کمان شما نیز بگذرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد		۰/۲۵ ۰/۲۵
۱۵	در بیت «ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد» منظور از «رمه» و «چوپان گرگ طبع» چیست؟			۰/۵
۱۶	ادبیات خواننده را به ایستادگی در برابر ظلم فرا می خواند.			۰/۲۵
۱۷	سیف‌الدین محمد فرغانی شاعر کدام قرن است؟		همه قرن‌ها رو نیازی نیست یاد بگیري، فقط همون‌ها که در قلمه درس نوشتیم کافیه.	۰/۲۵
۱۸	ابیات زیر را کامل کنید. الف) دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین ب) پرو ای گدای مسکین در خانه علی زن		۰/۵ ۰/۵

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: کلیه رشته‌ها	فارسی (۱)
نمره	نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم			ردیف
آزمون شماره ۱				
درس ششم				
۱	معنی بیت زیر را بنویسید. گرت هواسست که معشوق نگسلد پیمان نگاه دار سر رشته تا نگه دارد			۱۹
۰/۵	نقش دستوری ضمائر پیوسته (متصل) را در موارد زیر مشخص کنید. الف) ای صبحدم، ببین که کجا می‌فرستم			۲۰
۰/۵	کنایه را در بیت زیر نشان دهید و مفهوم آن را بنویسید. دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته‌هاست به دو دست دعا نگه دارد			۲۱
۰/۵	نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید. حدیث دوست‌نگویم مگر به حضرت دوست که آشنا سخن آشنا نگه دارد			۲۲
۰/۵	تفاوت معنایی واژه «معاش» را در موارد زیر بررسی کنید. الف) دلا! معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته‌هاست به دو دست دعا نگه دارد ب) تعلیم ز ازه گیر در امر معاش نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش			۲۳
درس هفتم				
۰/۷۵	معنی عبارت زیر را بنویسید. قصه حال یوسف را نیکو نه از حسن صورت او گفت، بلکه از حسن سیرت او گفت.			۲۴
۰/۲۵	نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید. الف) ای دوست! درمان کار خود کن.			۲۵
۰/۵	ب) در آب، حیات تن‌ها بُود و در قرآن حیات دل‌ها بُود.			
۰/۲۵	در عبارت زیر، واژه‌های مشخص شده کدام آرایه ادبی را پدید آورده‌اند؟ «در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است.»			۲۶
۰/۵	در عبارت زیر «مشبه و مشبه‌به» را نشان دهید. «قرآن مانند است به بهشت جاودان»			۲۷
۰/۲۵	«تفسیر سوره یوسف» اثر کیست؟			۲۸
۰/۵	ایبات زیر را کامل کنید. الف) گه نعره‌زدی بلبل، گه جامه‌دریدی گل			۲۹
۰/۵	ب) بعد از تو روا باشد، نقض همه پیمان‌ها			
درس هشتم				
۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. رقعه‌ای نوشتم و عذری خواستم.			۳۰
۰/۵	با توجه به درس «سفر به بصره» دو دلیل برای این‌که ناصر خسرو دعوت وزیر را نپذیرفت، ذکر کنید. برای پاسخ‌دادن به این شکل سوالات باید داستان هر درس رو در ذهن داشته باشی، بهترین راه یادگیری داستان هر درس، اینه که بدون توجه به کلمات سفت متن فقط متن رو روزنامه‌ای بخونی و ببینی ماهی‌های درس از چه قراره!			۳۱
۰/۵	بیت زیر آدمی را به چه چیزی توصیه می‌کند؟ گفتم: «این شرط آدمیت نیست مرغ، تسبیح‌گوی و من خاموش»			۳۲
۰/۷۵	عبارت زیر را معنی کنید. دست‌تنگ بود و وسعتی نداشت که حال مرا مرمتی کند.			۳۳
درس نهم				
۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. از یال و غارب به زیر آمد.			۳۴
۰/۵	عبارت زیر را معنی کنید. گوزن را رعنا رقم می‌زد، خرگوش را چابک می‌بست.			۳۵
۲۰	جمع نمرات			موفق باشید

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: کلیه رشته‌ها	فارسی (۱)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم			ردیف
آزمون شماره ۹				
۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵	<p><u>قلمرو زبانی (۷ نمره)</u> الف) واژگان (۱/۵ نمره)</p> <p>معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.</p> <p>۱ الهی <u>فضل</u> خود را یار ما کن ۲ زین <u>نَمَط</u> آن مست شده از غرور رفت و ز مبدأ <u>چو</u> کمی گشت دور ۳ مخور طعمه جز <u>خسروانی</u> خورش ۴ من ایرانی‌ام <u>آرمانم</u> شهادت ۵ کمان به <u>زه</u> را به بازو فکند ۶ کم کسی ز <u>ابدال</u> حق آگاه شد</p>			۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶
۰/۵	<p>ب) املا (۱/۵ نمره)</p> <p>در کدام گزینه <u>نادرستی</u> املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.</p> <p>۱) بپوشید درع سواران جنگ نبود اندر آن کار، جای درنگ ۲) سپهبد آنان ازدها را سپرد به خشم از جهان، روشنایی ببرد</p>			۷
۱	<p>۸ در میان واژگان زیر <u>نادرستی</u>‌های املایی را بیابید و سپس تصحیح کنید.</p> <p>«سنان - نظاره - وبله کرد - خطه نقض پدram - نطق مرغ - میغ - طاس و طشت - جولقی - اشباح و همانندان - عربده و سفاهت - لطف و قهر - صفت و صورت»</p>			۸
۱	<p>۹ <u>پ) دستور (۴ نمره)</u></p> <p>تحول معنایی واژگان مشخص شده را بررسی کنید.</p> <p>الف) ما را به نزدیک خویش <u>بازگرفت</u>. ب) به مجلس وزیر <u>شدیم</u>.</p>			۹
۱	<p>۱۰ بیت زیر را براساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید و نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.</p> <p>«گشت یکی چشمه ز <u>سنگی جدا</u> غلغله‌زن، چهره‌نما، <u>تیزی</u>»</p>			۱۰
۱	<p>۱۱ با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.</p> <p>کار پاکان را قیاس از خود مگیر جمله عالم زین سبب گمراه شد الف) یک پیوند وابسته‌ساز نشان دهید. ب) بیت دوم چند جمله است؟ پ) نوع «و» را مشخص کنید. ت) واژه «گمراه» چه نقشی دارد؟</p> <p>گرچه ماند در نبشتن شیر و شیر کم کسی ز ابدال حق آگاه شد</p>			۱۱
۰/۵	<p>۱۲ در هر یک از موارد زیر منادا را مشخص کنید.</p> <p>الف) ناتانائیل، من به تو شور و شوقی خواهم آموخت. ب) هم‌اکنون تو را ای نبرده‌سوار پیاده بیاموزمت کارزار</p>			۱۲
۰/۵	<p>۱۳ دو واژه ممال بنویسید.</p>			۱۳
۰/۵	<p><u>قلمرو ادبی (۵ نمره)</u> الف) آرایه‌های ادبی (۳ نمره)</p> <p>در بیت‌های زیر کلمات مشخص شده نماد چه هستند؟</p> <p>الف) حسرت نبرم به خواب آن <u>مرداب</u> کارام درون دشت شب خفته است ب) به خون گر کشی خاک من دشمن من بجوشد <u>گل</u> اندر گل از گلشن من</p>			۱۴
۱	<p>۱۵ مفاهیم کنایی مصراع‌های زیر را بنویسید.</p> <p>الف) رخ نامور، سوی توران کنی ب) ریش برمی‌کند و می‌گفت ای دریغ</p>			۱۵
۱	<p>۱۶ در هر یک از موارد زیر آرایه ادبی خواسته شده را مشخص کنید.</p> <p>الف) که هم‌رزم جستی هم‌افسون و رنگ نیامد ز کار تو بر دوده ننگ (جناس و نوع آن) ب) هر دو ترجیح می‌دادیم بین گوسفندها باشیم نه گرگ‌ها. (استعاره و مفهوم آن)</p>			۱۶

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: کلیه رشته‌ها	فارسی (۱)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم			ردیف
آزمون شماره ۹				
۰/۵	بیت زیر را از شیوه بلاغی برگردانید و به شیوه عادی بنویسید. همت بلند دار که نزد خدا و خلق باشد به قدر همت تو اعتبار تو			۱۷
(ب) حفظ شعر (۲ نمره)				
۰/۵	ابیات زیر را کامل کنید. الف) نه خدا توانمش خواندنه بشر توانمش گفت ب) پ) فلک در شگفتی ز عزم شماست			۱۸
۰/۵	کوته نظری باشد رفتن به گلستان‌ها			
۰/۵	کدام بیت درست آمده است؟ ۱) دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین ۲) به مردی به میدان نهادند روی			۱۹
۰/۲۵	به خدا قسم خدا را به علی شناختم من جهان شد از ایشان پُر از گفت و گوی			
مصراع زیر را مرتب کنید. تا - بشکستم - تو - عهد - دربستم - عهد - همه				
۰/۲۵	(الف) درک مطلب (۴ نمره)			
۰/۲۵	در کدام بیت بر یگانه پرستی تأکید شده است؟ ۱) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت ۲) جز از جام توحید هرگز ننوشم			۲۱
۰/۲۵	هم بر چراغدان شما نیز بگذرد زنی گر به تیغ ستم گردن من			
۰/۲۵	در ابیات زیر قسمت مشخص شده چه مفهومی دارد؟ الف) برآهیخت رهام گرز گران غمی شد ز پیکار دست سران ب) میندار این شعله افسرده گردد که بعد از من افروزد از مدفن من پ) پی بردیم که راه دست خودش هم نیست و این بار اتاق از جا کنده شد.			۲۲
۰/۵	در سروده «تو را آب‌ها و خوشه‌ها و ستاره غروب نامیدم، چرا شاعر «جنوب» را «آب‌ها و خوشه‌ها» می‌نامد؟			۲۳
۰/۲۵	در عبارت «هیچ آفریده‌ای نشان‌دهنده او نیست» منظور از «او» چیست؟			۲۴
۰/۵	با توجه به متن زیر، «دست به روی فروآوردن» نشانه چیست؟ «معرف بر پای خاست و گفت: خدایش بیمارزد که هر کسی از آن‌جا که هست، یک گام فراتر آید. شیخ دست به روی فروآورد و گفت: هر چه ما خواستیم گفت و همه پیغمبران بگفته‌اند؛ او بگفت.»			۲۵
۱	مفهوم هر بیت را از نظر درست یا نادرست بودن بررسی کنید. در صورت اشتباه، مفهوم درست را بنویسید. الف) خروش سواران و اسپان زدشت ز بهرام و کیوان همی برگذشت: (شدت نبرد) ب) در خطاب آدمی ناطق بُدی در نوای طوطیان حاذق بُدی: (انسان خوش‌سخنی بود).			
۰/۵	در عبارت «اعمال ما به ما وابسته است، هم‌چنان که روشنایی فسفر به فسفر. راست است که ما را می‌سوزاند، اما برایمان شکوه و درخشش به ارمان می‌آورد.» منظور از «ما را می‌سوزاند» چیست؟			۲۷
(ب) معنی و مفهوم نثر (۲ نمره)				
۰/۵	عبارت‌های زیر را به نثر روان معنی کنید. تخت‌ها کفاف مجروحان را نمی‌داد.			۲۸
۰/۵	خاک مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است.			۲۹
۰/۵	خلف صدق نیاکان هنرور خود بود.			۳۰
۰/۵	از آموختن ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی.			۳۱
(ب) معنی و مفهوم شعر (۲ نمره)				
۰/۵	اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید. خونت / با خون بهایت حقیقت / در یک تراز ایستاد			۳۲
۰/۵	راست به‌مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله			۳۳
۱	مرا مادرم نام مرگ تو کرد زمانه مرا پتک ترگ تو کرد			۳۴
۲۰	موفق باشید			جمع نمرات

پاسخ‌نامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- روزی‌دهنده
- ۲- الف) هرگونه که توصیف کنم، تو باز هم بالاتر از آن هستی. (ب) فریادش آن قدر بلند بود که گوش آسمان را کر کرده بود. (پ) چشمه پرشور، زلال و شتابنده‌ای از سنگی جدا و جاری شد.
- ۳- عطار نیشابوری
- ۴- الف) به شایستگی، حق همه را بشناس، به ویژه خویشاوندان خود را. (ب) این قدر مرا اداوار به حرف‌زدن نکن.
- ۵- الف) بی‌نیاز (ب) تباه، تلف
- ۶- دو واژه «غرابت» و «حیات» نادرست و شکل صحیح آن‌ها «قربت» و «حیاط» است.
- ۷- گزینه «۲»، «عمله» صحیح است.
- ۸- الف) چشم: مجاز از پلک (ب) سرگرم: کنایه از مشغول
- ۹- الف) هیچ‌گودالی به این بلندی و ارزش ندیده بودم. در جای پست هم می‌توان ارزشمند بود. (ب) سرخی غروب، نجابت و پاکی تو را نشان می‌دهد و سپیده‌دم، همان محرابی است که تو در آن نماز صبح روز شهادتت را خوانده‌ای.
- ۱۰- مسخره کردن، ریشخند
- ۱۱- غبطه بزرگ زندگانی و گوشه روشن وجدان
- ۱۲- «خون»: مجاز از شهادت / «عزم»: مجاز از قیام / «ایستادن خون و حقیقت»: تشخیص
- ۱۳- «کاروان‌سرا» استعاره از «دنیا» و «کاروان» استعاره از «زندگی»
- ۱۴- الف) «تیر جور»: اضافه تشبیهی (جور: مشبه؛ تیر: مشبه‌به)؛ «تحمل سپر کنیم»: تشبیه (تحمل: مشبه؛ سپر: مشبه‌به)
- (ب) «داد و بیداد» و «عادلان و ظالمان»: تضاد
- ۱۵- «رمه»: مردم؛ «چوپان گرگ‌طبع»: حاکمان ظالم
- ۱۶- پایداری
- ۱۷- قرن هفتم
- ۱۸- الف) به علی شناختم من به خدا قسم خدا را (ب) که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
- ۱۹- اگر آرزوی توست که معشوق به عهد و پیمان دوستی با تو وفادار بماند، تو نیز به عشق وفادار باش و ریسمان محبت را تگه دار.
- ۲۰- الف) مفعول (تو را می‌فرستم) (ب) متمم (به تو گفتم)
- ۲۱- لغزیدن پا: کنایه از انجام کار خطا و گناه
- ۲۲- حدیث: مفعول / آشنا: مضاف‌الیه
- ۲۳- در مورد «الف» معاش به معنای «زندگی» است و در مورد «ب» در معنای «روزی و مایحتاج زندگی» است.
- ۲۴- داستان حال یوسف علیه السلام را نه به خاطر زیبایی ظاهر او بیان کرد، بلکه به خاطر زیبایی باطن او گفت.
- ۲۵- الف) «دوست»: منادا (ب) «آب»: متمم؛ «دل»: مضاف‌الیه
- ۲۶- سجع
- ۲۷- قرآن: مشبه / بهشت: مشبه‌به
- ۲۸- احمد بن محمد بن زید طوسی
- ۲۹- الف) با یاد تو افتادم، از یاد برفت آن‌ها (ب) تا عهد تو دربستم، عهد همه بشکستم
- ۳۰- نامه
- ۳۱- (۱) نایب‌امانی اوضاع (۲) با نوشتن نامه‌ای، میزان دانش خود را به وزیر نشان داد تا وزیر او را بالاتر از آن چه هست تصور نکند.
- ۳۲- غافل نشدن از یاد خداوند و همواره تسبیح او را گفتن
- ۳۳- فقیر بود و ثروتی نداشت که به من کمک کند.
- ۳۴- میان دو کتف
- ۳۵- گوزن را خوش‌قامت و خرگوش را چالاک می‌کشید.

آزمون شماره ۲ (نوبت اول)

- ۱- الف) از روی رحمت و لطف نگاهی به حال ما بینداز. (ب) خواست که از آن گرداب خود را نجات دهد.
- ۲- الف) روشنایی، پرتو (ب) پیچ و خم زلف
- ۳- الف) آشکار و نهان: تضاد (ب) «خندیدن گل»: تشخیص
- ۴- خداوند اصل زندگی است.
- ۵- در مصراع اول به خروشان بودن و در مصراع دوم به سرعت حرکت چشمه اشاره کرده است.
- ۶- الف) زمان ناامیدی، امید را بیشتر کن و ناامیدی را به امیدواری وابسته بدان. (ب) خیره نگاه می‌کرد، اما چیزی نمی‌فهمید.
- ۷- الف) درخشان (ب) شیفته، بسیار مشتاق، آزمند
- ۸- الف) غصه (ب) قربابت (پ) اصرار (ت) حوض
- ۹- الف) خویش‌داری (ب) قدرشناسی
- ۱۰- قابوس‌نامه، گلستان
- ۱۱- «غبطه»: هسته / «بزرگ»: صفت / «زندگانی»: مضاف‌الیه
- ۱۲- کنایه
- ۱۳- الف) «امضا» کنایه از تأیید
- (ب) «حسینی شدن» کنایه از اهل حق شدن؛ «یزیدی شدن» کنایه از اهل باطل بودن
- ۱۴- الف) قیام کردن درختان: تشخیص (ب) گودال خون تو را مکیده: تشخیص
- (پ) ایستادن خون و حقیقت: تشخیص
- ۱۵- الف) سید علی موسوی گرمارودی (ب) خواجه نظام‌الملک توسی
- ۱۶- ظلم شما مانند تیر است و ما صبر را سپر آن می‌کنیم تا این قدرت شما نیز به پایان برسد.
- ۱۷- تلمیح به آیه ۳۵ سوره انبیاء: «کل نفس ذائقة الموت» هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد.
- ۱۸- «شیران» استعاره از انسان‌های بزرگ و لایق؛ «سگان» استعاره از انسان‌های نالایق
- ۱۹- نماد نحسی و شومی
- ۲۰- گزینه «۲»
- ۲۱- چه زخم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم
- ۲۲- ز نوای مرغ یاقق بشنو که در دل شب
- ۲۳- ای دل، آن گونه زندگی کن که اگر خطا و گناهی کردی فرشته برایت دعا کند و تو را حفظ نماید.
- ۲۴- الف) مضاف‌الیه (راهگذار تو) (ب) متمم (اگر به من دل دهند)
- ۲۵- زیرا نشان‌دهنده عواطف و احساسات شاعر است.
- ۲۶- الف) تا عهد تو دربستم، عهد همه بشکستم (ب) گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید
- ۲۷- اجازه دهد اندکی بیشتر در حمام بمانیم و خود را پاکیزه کنیم.
- ۲۸- چنبره گردن، گردی گردن
- ۲۹- گزینه «۱» «شندرقاز» نادرست و شکل صحیح آن «شندرهاز» است.
- ۳۰- میان‌وند (واو در واژه‌هایی مثل «گفت‌وگو، پرس‌وجو...» میان‌وند است).
- ۳۱- سهراب سپهری

آزمون شماره ۳ (نوبت اول)

- ۱- روشنی، پرتو
- ۲- بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل
- ۳- رخت‌کن حقام
- ۴- هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم
- ۵- جای پست در زمین یا پایین کوه
- ۶- زندگی
- ۷- دو واژه «لحو» و «قرض» نادرست است و شکل صحیح آن‌ها «لهو» و «عَرَض» است.
- ۸- گزینه «۲»، «اجل» صحیح است.

- ۳۷- به دنبال این نباش که جایی را خالی از خداوند بیایی، در هر جایی حضور دارد و با این حال نمی‌توان او را یافت.
- ۳۸- گزینه «۲»، در آیه آمده است که «چشم‌ها خداوند را درک نمی‌کنند» و در گزینه «۲» هم آمده که «هیچ آفریده‌ای نشان‌دهنده خداوند نیست» یعنی با دیدن پدیده‌ها نمی‌توان خداوند را دریافت.

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

- ۱- بخشش، کرم، نیکویی
- ۲- روش، نوع
- ۳- شاهانه
- ۴- آرزو، عقیده
- ۵- چله کمان، وتر
- ۶- مردان کامل
- ۷- گزینه «۲»، «عان» صحیح است.
- ۸- دو واژه «نقض» و «اشباح» نادرست و شکل صحیح آن‌ها «نغز» و «اشباه» است.
- ۹- الف) «بازگرفتن» در گذشته به معنی «مهمان کردن» و «نگه‌داشتن» به کار می‌رفته، اما امروزه به معنی «پس گرفتن» است.
- ب) «شدن» در گذشته به معنی «رفتن» بوده و امروزه فعل اسنادی به معنای «گشتن و گردیدن» است.
- ۱۰- شکل مرتب‌شده بیت: «یک چشمه غلغله‌زن، چهره‌نما و تیزپا از سنگی جدا گشت»؛ «سنگ»: متمم و «جدا» مسند است.
- ۱۱- الف) گرچه (ب) دو جمله (پ) عطف (ت) مسند
- ۱۲- الف) ناتانائیل
- ۱۳- سلیح: ممال سلاح؛ مزیح: ممال مزاح
- ۱۴- الف) انسان‌های ترسو و بی‌تحزک
- ۱۵- الف) تغییر مسیر دادن
- ۱۶- الف) «رنگ و ننگ»: جناس ناهمسان (ناقص) (ب) «گرگ‌ها»: استعاره از عراقی‌ها
- ۱۷- همت بلند دار که نزد خدا و خلق، اعتبار تو به قدر همت تو باشد.
- ۱۸- الف) متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را؟ (ب) تا خار غم عشقت آویخته در دامن (پ) ملک، آفرین گوی رزم شماست
- ۱۹- گزینه «۲»
- ۲۰- تا عهد تو دربستم عهد همه بشکستم
- ۲۱- گزینه «۲»
- ۲۲- الف) بالا برد (ب) عشق به وطن (پ) خودش هم در این کار مهارت ندارد.
- ۲۳- برای پاک‌بودن، آن را به آب‌ها و برای نعمت و برکت آن، به خوشه‌ها مانند کرده است.
- ۲۴- خداوند
- ۲۵- نشانه تمام‌شدن سخنان شیخ و انتهای مجلس
- ۲۶- الف) درست است.
- ب) نادرست است. مفهوم صحیح این است که طوطی، خوش‌سخن بود.
- ۲۷- ما را دچار سختی می‌کند.
- ۲۸- تخت‌ها برای زخمی‌ها کافی نبود.
- ۲۹- خاک مظهر فقر و نیازمندی آفریده در مقابل بی‌نیازی آفریننده است.
- ۳۰- جانشین راستین اجداد هنرمند خود بود.
- ۳۱- از یادگرفتن شرم نداشته باش تا از شرمندگی نجات یابی.
- ۳۲- خونت با حقیقت که خون‌بهای توست هم‌ارزش است.
- ۳۳- درست مانند زمین‌لرزه، بدنش را به تن ساحل تکیه داده بود.
- ۳۴- مادرم نام مرا مرگ تو نهاده است و زمانه، مرا پتکی برای کلاه‌خود تو کرده است.

آزمون شماره ۱۰ (نوبت دوم)

- ۱- جمع فلک، آسمان‌ها
- ۲- شنیدن
- ۳- آشکارشدن، جلوه‌کردن
- ۴- قرآن‌خوانان
- ۵- زنده‌پوش و گدا و درویش
- ۶- کرایه‌دهنده اسب، الاغ و مانند آن‌ها؛ چاروادار
- ۷- الف) «غضب» صحیح است. (ب) «غالب» صحیح است.
- ۸- گزینه «۲»، «طرفه» صحیح است.
- ۹- «نامیدم»: گذشته ساده؛ «می‌روید»: مضارع اخباری

- ۳۱- حسین واعظ کاشفی
- ۳۲- الف) دو واژه «نسیب» نادرست و شکل صحیح آن «نصیب» است. (ب) «استرغام» نادرست و شکل صحیح آن «استرحام» است.
- ۳۳- «می‌دارم»: مضارع اخباری؛ «بدزدند»: مضارع التزامی
- ۳۴- او را به راه نادرست کشیدند.
- ۳۵- الف) جنوب لبنان (ب) فراوانی نعمت و مقدس بودن زمین
- پ) خوشه‌های گندم؛ نماد فراوانی و نعمت
- ۳۶- تیمور لنگ
- ۳۷- «خار» مجاز از هر نوع سختی و مشکلی است.
- ۳۸- مصادره اموال
- ۳۹- گزینه «۲»، «بینش» مفعول است.
- ۴۰- اعمال

آزمون شماره ۸ (نوبت دوم)

- ۱- جمع فلک، آسمان‌ها
- ۲- بغض کرده و خیلی ناراحت بود.
- ۳- گروه‌های «غرابت و خویشی» و «لب حوز نشستن» نادرست و شکل صحیح آن‌ها «قرابت و خویشی» و «لب حوز نشستن» است.
- ۴- مسند
- ۵- الف) بتا: نماد انسان‌ها و عواملی که مردم را از هم دور می‌کنند. (ب) دیوار: نماد هر چیزی که مانع ارتباط انسان‌هاست. (پ) همسایه: نماد دوستی و ارتباط‌ها
- ۶- کدام انسان راستگو
- ۷- متناقض‌نما (پارادوکس)
- ۸- سُخره: مسخره کردن، ریشخند / غیبه: رشک‌بردن، حال و روز کسی را آرزوداشتن، بی آن‌که خواهان زوال آن باشیم.
- ۹- «طالع، مسعود، اختران» مراعات نظیر هستند.
- ۱۰- علی ای‌همای رحمت تو چه آیتی خدا را / که به ماسوا فکندی همه سایه‌ها را
- ۱۱- زندگی
- ۱۲- دارایی و ثروت
- ۱۳- فعل «است» حذف شده و از طریق معنی به نبود آن پی می‌بریم.
- ۱۴- دو واژه «لعیمی» و «فرغت» نادرست و شکل صحیح آن‌ها «لثیمی» و «فرقت» است.
- ۱۵- «وفادار» و «آموزگار» سجع هستند.
- ۱۶- با یاد تو افتادم، از یاد برفت آن‌ها
- ۱۷- با بزرگواری و آسایش به سرزمین پارس رسیدیم.
- ۱۸- خواروبار، از قبیل نخود و لوبیا و عدس
- ۱۹- الف) لذت‌بخش بودن کلاس موردنظر است. (ب) معلم صمیمی بوده است. (پ) زیرا او نیز مانند نیاکانش تصاویر را به صورت نیم‌رخ رسم می‌کرده است.
- ۲۰- نهاد
- ۲۱- «خاک» مجاز از وطن است.
- ۲۲- عشق به وطن
- ۲۳- اشکیوس به او گفت: برای جنگیدن با تو سلاحی جز مسخرگی و شوخی لازم ندارم.
- ۲۴- حاکم، والی
- ۲۵- فرهنگ اسلامی، قیام امام حسین علیه السلام، اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام
- ۲۶- زره، جامه جنگی که از حلقه‌های آهنی سازند.
- ۲۷- «ایرانی»: مسند؛ «همواره»: قید
- ۲۸- گردآفرید
- ۲۹- الف) بداندیش را آتش خرمن‌اند (ب) به فرهنگشان حرف تسلیم نیست
- ۳۰- چون بسیاری از انسان‌ها باطنی شیطانی دارند، پس شایسته نیست و نباید با هر کسی عهد و پیمان دوستی بست.
- ۳۱- «سر بی‌مو چو پشت طاس و طشت» تشبیه دارد. (سر بی‌مو: مشبه؛ چو: ادات تشبیه؛ پشت طاس و طشت: مشبه‌به)
- ۳۲- سپس به سراغ خروس بی‌رحم رفتم.
- ۳۳- کوچه، سرا، خانه
- ۳۴- «خوشمزرگی رنگارنگ»: حس آمیزی
- ۳۵- عبدالحسین وجدانی
- ۳۶- منظور، امام موسی صدر است و «معرکه» خاستگاه خاندان اوست.

درس نامه توپ برای شب امتحان

فصل یکم: ادبیات تعلیمی

درس یکم: چشمه

مفاهیم

زهی گویا ز تو، کام و زبانم / تویی هم آشکارا، هم نهانم: چه خوش است که آرزوی قلبی و آن چه بر زبان می‌رانم، دربارهٔ تو باشد، زیرا تو تمام وجودم هستی / **چو در وقت بهار آبی پدیدار / حقیقت پرده برداری ز رخسار**: وقتی که در فصل بهار نمایان می‌شوی، از چهرهٔ حق (که خودت هستی) نقاب را کنار می‌زنی / **گه به دهان پرزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف**: گاه کفی چون صدف بر رویش قرار می‌گرفت و گاه مانند تیری که به سوی هدف می‌رود به سرعت حرکت می‌کرد / **راست به مانند یک زلزله / داده تنش بر تن ساحل یله**: درست مانند زمین‌لرزه، بدنش را بر تن ساحل تکیه داده بود / **لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند**: اما چنان مات و مبهوت و ساکت ماند که با آن همه خوش‌زبانی دیگر حرفی برای گفتن نداشت / **آن که حزم زیادت داشت و بارها دست‌برد زمانهٔ جافی را دیده بود، سبک روی به کار آورد**: آن ماهی که محتاط‌تر بود و بارها غارت و چپاول زمانهٔ ستمگر را دیده بود، سریع دست به کار شد. / **هر چند تدبیر در هنگام بلا فایده بیشتر ندهد؛ با این همه، عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید دشمن، تأخیر صواب نبیند**: هر چند چاره‌اندیشی در هنگام بلا، اغلب بی‌فایده است، با این حال، عاقل از منفعت‌های دانش هرگز ناامید نمی‌شود و در دور کردن مکرهای دشمن، تأخیر را درست نمی‌داند.

واژگان

افلاک: جمع فلک، آسمان‌ها / **رزاق**: روزی‌دهنده / **زهی**: هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود. خوشا، آفرین، شگفتا / **فروغ**: روشنایی، پرتو / **فضل**: لطف، توجه، رحمت، احسان - که از خداوند می‌رسد - / **کام**: دهان / **برازندگی**: شایستگی / **پیرایه**: زبور و زینت / **تیزپا**: تندرو، تیزرو / **جافی**: ستمگر / **حازم**: محتاط / **خیره**: سرگشته، حیران، فرومانده / **دست‌برد**: هجوم و حمله / **دست‌برد دیدن**: مورد حمله و هجوم قرارگرفتن / **شکن**: بیچ و خم زلف / **صورت‌شدن**: به نظر آمدن، تصوّرشدن / **غُلغله‌زن**: شور و غوغاکنان / **فرج**: گشایش، گشایش در کار و از میان رفتن غم و رنج / **گلبن**: بوته یا درخت گل، به ویژه بوتهٔ گل سرخ / **معرکه**: میدان جنگ، جای نبرد / **مکاید**: جمع مکیدت، مکرها، حيله‌ها / **میعاد**: وعده، قرار / **میعادنهادن**: قرارگذاشتن / **نادره**: بی‌همتا، شگفت‌آور / **نمط**: روش، طریقه / **زین نمط**: بدین ترتیب / **نیلوفری**: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی؛ در متن درس، مقصود از «پردهٔ نیلوفری»، آسمان لاجوردی است. / **وَرطه**: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری / **هنگامه**: غوغا، داد و فریاد، شلوغی / **یله**: رها، آزاد؛ **یله‌دادن**: تکیه‌دادن

نکات زبانی، ادبی و فکری

املاهای مهم: رزاق / زهی / فروغ / غلغله / معرکه / حامل / زهردر / نعره / نمط / یله / ورطه / خصلت / فضل / عجایب / خلاق / حازم و محتاط / حزم و احتیاط / وعده و میعاد / ذخیرت / تجربت / وقت حیلت / صواب ندیدن / تأخیر / وقت ثبات / صورت‌شدن و به نظر آمدن / احوال / چیره و غالب / مدهوش و پای‌کشان

واژهٔ «همسری» در مصراع «کیست کند با چو منی همسری» به معنی «برابری» است، اما امروزه این واژه در معنی «ازدواج» به کار می‌رود.

واژهٔ «راست» در مصراع «راست به مانند یکی زلزله» به معنی «دقیقاً» است، اما امروزه این واژه در معنی «سمت راست یا سخن راست» به کار می‌رود.

در شعر «چشمه»، «چشمه» نماد انسان‌های مغرور و متکبر است.

در مصراع «از خجلی سر به گریبان برد»، «سر به گریبان بردن» کنایه از «شرمندگی» است.

حسن آمیزی: آمیختن دو یا چند حس و یا یک حس با پدیده‌ای ذهنی (انتزاعی)، در کلام را «حسن آمیزی» می‌گویند؛ مانند: حرف‌هایم مثل یک تگه چمن روشن بود (روشن بودن حرف) / کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند (شیرینی سخن)

در بیت «خواست کز آن ورطه قدم درکشد / خویشتن از حادثه برتر کشد»، «قدم درکشیدن» و «خویشتن برتر کشیدن» به معنی خود را رها کردن و نجات‌دادن است.

مجاز: هر واژه امکان دارد در معنای حقیقی و یا معنای غیرحقیقی به کار رود. به معنای حقیقی واژه، «حقیقت» و به معنای غیرحقیقی آن، «مجاز» می‌گویند. «حقیقت»، اولین و رایج‌ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می‌رسد. «مجاز» به کار رفتن واژه‌ای است در معنی غیرحقیقی، به شرط آن‌که میان معنای حقیقی و معنای غیرحقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار باشد؛ مثال:

پیش دیوار آن چه گویی، هوش دار / تا نباشد در پس دیوار، گوش (گوش: مجاز از انسان سخن‌چین)

ما را سر باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی تفرج آن جاست (سر: مجاز از قصد و اندیشه)

عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت / فتنه‌انگیز جهان، نرگس جادوی تو بود (نرگس: مجاز و استعاره از چشم)

چون بگشایم ز سر مو شکن / ماه ببیند رخ خود را به من (مو: مجاز از امواج)

در بن این پردهٔ نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری (پردهٔ نیلوفری: مجاز از آسمان لاجوردی)

قطرهٔ باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک (خاک: مجاز از زمین)

خواست کز آن ورطه قدم درکشد / خویشتن از حادثه برتر کشد (قدم: مجاز از کل وجود)

لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند (گوش: مجاز قدرت شنوایی)

نکته: اگر معنای غیرحقیقی بر پایهٔ شباهت به جای معنای حقیقی آمده باشد به آن «استعاره» می‌گویند؛ مانند واژهٔ «نرگس» در مثال سوم. (استعاره را در درس پنجم بررسی می‌کنیم)

«الهی‌نامه» سرودهٔ عطار نیشابوری و در قالب مثنوی است. / **«کلیده و دمنه»** ترجمهٔ ابوالمعالی نصرالله مثنوی است.

درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

مفاهیم

از نیکی کردن میاسا: از نیکی کردن دست نکش / به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار: به زبان سخنی نگو که برخلاف عقیده‌ای باشد که در دل داری / در همه کاری داد از خویشتن بده: در همهٔ کارها عدالت را در مورد خودت رعایت کن / به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی: با هر کار بی‌اصل و اساسی، حال و سرشت خود را تغییر ندهی / ولیکن به ایشان مولع مباش: اما شیفتهٔ آن‌ها نباش / بر و بر نگاه می‌کرد اما چیزی دستگیرش نمی‌شد: خیره نگاه می‌کرد، اما چیزی نمی‌فهمید. / تعجب برش داشته بود: بسیار تعجب کرده بود. / از تعجب دهانش باز ماند. حیاطها سر به هم آورده و خانه‌هایشان یکی شده بود: بسیار تعجب کرده بود. حیاط خانه‌ها در هم رفته بودند و خانه‌های آن‌ها یکی شده بودند. / چشم‌هایش دیگر نمی‌خندید لب‌هایش شل و آویزان شده بود: چشم‌هایش حالت شادی نداشت و صورتش غمگین بود. / لب برچیده بود: بغض کرده و خیلی ناراحت بود. / این قدر از من حرف نگیر: این قدر مرا وادار به حرف‌زدن نکن. / دلش از غم و درماندگی فشرده شد: وجودش پر از غم و درماندگی شد.

واژگان

تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت؛ توجه؛ **تیمار داشتن**: غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد؛ پرستاری و خدمت کردن / **ضایع**: تباہ، تلف / **عمله**: جمع عامل؛ کارگران؛ در فارسی امروز کلمهٔ عمله، به صورت مفرد، به معنی یک تن کارگر زبردست بتا به کار می‌رود. / **قربابت**: خویشی، خویشاوندی در متن درس، منظور «خویشاوند» است. / **محال**: بی‌اصل، ناممکن، اندیشهٔ باطل / **مستغنی**: بی‌نیاز / **مولع**: بسیار مشتاق، آزمند / **نموده**: نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده / **بر و بر**: خیره / **بِزاق**: درخشان / **تَلّ**: پُشته، تپه / **خشت**: آجر خام / **یک‌ریز**: پی‌درپی / **قاش**: [قاج] یک قسمت بریده‌شده از خرزبه، هندوانه یا میوهٔ دیگر / **در رفتن**: فرار کردن / **طاس**: بدون مو، کچل / **خیله**: چاق و کوتاه‌قد / **رَعه**: لرزش / **سراسیمه**: هراسان، آشفته